

علی که بعضی معتقدان یا بعضی در بیان می اندازند و برین
 محل ابن نفعه عمل می کند قول ابن عباس زمن
 را در آیه فاصبروا بروکم و ارجلکم لا الکعبین لاجد بانه
 ین کتاب الله المسح کفتم ابوالد العزل بس اینچ فقیه
 می فهمد آن است که این زمان بوجوب مسح نیست چیزی
 محل آیه بر کعبت مسح نیست آنچه پیش ابن عباس
 رضی مقرر است همان محسوس است لیکن اینجاست که از
 میانند و احتیاطی را اظهار می کنند تا به بنید که علی بن
 درین تعارض چه نوع لطیف میدید و کلام راه است
 میانند بعضی آنکه بر حقیقت روز جزا مسان مطلع بودند
 این را قول ابن عباس استند و درین ادعاوند
 حادثه ثم حاشا کتبه دوم آنکه نقل از زمینی است
 در است که در دین ما داخل شد بعد از آن که در
 تقدیرا

اهل کتاب و لکن بویسم قاعده مقرر است بس دو چیز لازم
 اند یکی آنکه تا تعریف قرآن را در سنت حضرت پیغام بر
 علی الله علیه و آله و سلم بیان یافته شود در کتب نقل
 از اهل کتاب نباید شد مثلاً چون محل آیه و لقد فتنا
 سلیمان و القینا علی کرسیه جدانم اناب در سنت نبویه
 باقیه می شود و آن قصه است که در مواخذه بر آن
 است و کتب ذکر قصه صخره مار و چه باید شد دویم آنکه
 الضروری بقدر بقدر الفزوه را در نظر داشته قدر انقصا
 ترین سخن باید گفت تا بشهاده قرآن تصدیق کرد
 باشم و از زیادت زبان باید کشید در اینجا کتبه است
 بنایت لطیف آن را نیز باید دانست که در قرآن عظیم کلام
 حکایت کرده بشود یک قصه را در جای باجای و در جای
 به تفصیل بیان فرموده قال لیر اعلم ما لا تعلمون بعد از آن

این کلام